

میرشناسه	آبرفت، سعیده، ۱۳۷۱ -
عنوان و نام پدیدآور	کلید موثر بر خودکارآمدی مالی/ مولف سعیده آبرفت.
مشخصات نشر	مشهد: انتشارات معزین، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۵۲ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۷۴۳۵-۲-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	سواد مالی -- ایران -- نمونه‌پژوهی
موضوع	Financial literacy -- Iran -- Case studies:
موضوع	خودکارایی -- ایران -- نمونه‌پژوهی
موضوع	Self-efficacy -- Iran -- Case studies:
موضوع	هوش هیجانی -- ایران -- نمونه‌پژوهی
موضوع	Emotional intelligence -- Iran -- Case studies:
رده‌بندی کنگره	۱۸۷HG:
رده‌بندی دیویی	۳۳۲/۱۰۹۵۵:
شماره کتابشناسی ملی	۷۵۱۲۱۶۴:



انتشارات معزین

کلید موثر بر خودکارآمدی مالی

ناشر: انتشارات معزین
 مؤلف: سعیده آبرفت
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 قطع: رقعی
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۴۳۵-۲-۲

مرکز بخش:

چهارراه شهدا، خیابان آیت ا... بهجت (۲) مجتمع گنجینه

تلفن: ۳۲۲۱۸۳۱۳ - ۳۲۲۴۲۲۶۲

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
خود کارآمدی.....	۱
مفهوم خود کارآمدی.....	۱
تاریخچه خود کارآمدی.....	۴
اهمیت خود کارآمدی.....	۶
خود کارآمدی مالی.....	۱۶
نگرش.....	۱۸
مفهوم نگرش.....	۱۸
عناصر نگرش.....	۲۱
نگرش مالی.....	۲۳
هوش هیجانی.....	۲۴
مفهوم هوش هیجانی.....	۲۴
عناصر هوش هیجانی.....	۲۸
مولفه های هوش هیجانی.....	۲۹
دانش مالی.....	۳۲
رابطه دانش مالی، نگرش مالی و هوش هیجانی.....	۳۵
پیشینه پژوهش.....	۳۶
پژوهش های داخلی.....	۳۶
پژوهش های خارجی.....	۴۷
خلاصه و جمع بندی.....	۵۱

۱-۱. مقدمه

صاحب نظران و محققین در طول سی سال گذشته، معیارهای عینی و ذهنی گوناگونی برای توصیف شرایط مالی خانوار و افراد را آزمون کرده اند و دریافته اند که بهبود رفاه مالی، حاصل تقویت دانش، نگرش، تمایل و رفتار مالی می باشد در مبنای نظری به مفاهیم خودکارآمدی، خودکارآمدی مالی و عوامل موثر بر آن و همچنین مفهوم نگرش و نگرش مالی و هوش هیجانی و در نهایت به مفهوم دانش مالی پرداخته می شود و سپس در بخش پیشینه به پژوهش های داخلی و خارجی که در این زمینه انجام شده است، پرداخته می شود.

۲-۱. خودکارآمدی

۱-۲-۱. مفهوم خودکارآمدی

مفهوم خود کارآمدی^۱ تاریخچه ای نسبتاً کوتاه دارد که با فعالیت های بندورا^۲ (۱۹۷۷) آغاز می گردد. وی در نوشته ای تحت عنوان «به سوی یکپارچه کردن تئوریهای تغییرات رفتار»، به این موضوع اشاره کرد (پاجاریس^۳، ۱۹۹۶؛ نقل از: مسعود نیا، ۱۳۸۶). بندورا (۲۰۰۰) خودکارآمدی را به عنوان باورهای افراد به توانایی های خود در انجام وظایف به گونه موفقیت آمیز تعریف کرده است (باعزت

^۱ - Self-Efficacy

^۲ - Bandura

^۳ - Pajares

و همکاران، ۱۳۹۵). پرز^۱ و همکاران (۲۰۱۱) خودکارآمدی را یکی از مهم ترین مکانیزم های کنترل رفتار خود تنظیمی تعریف کرده اند. خود کارآمدی یعنی قضاوت های افراد در مورد تواناییهای خود. این باورهای افراد نسبت به تواناییهایشان روی پشتکار و تلاش آنها اثر می گذارد. باورهای خود کارآمدی، پیش بینی ساده درباره رفتار، نیست و با «می خواهم انجام دهم» کاری ندارد، بلکه با اینکه «می توانم انجام دهم» سروکار دارد (بیابانگرد، ۱۳۸۶). در این دیدگاه افراد به عنوان خود سازمان دهنده، فعال، خود انعکاس گر و خود نظم جو و نه موجودی واکنش گر که به وسیله رویدادهای بیرونی شکل می گیرند، در نظر گرفته می شود. به خاطر کارگذار بودن آدمی قادر است فعالیت های خود را برای دستیابی فرایند خاص و نتایج دلخواه، انتخاب کرده و نظم و ساختار دهد (بواتی، ۱۳۷۵). بندورا (۱۹۸۶) معتقد است که آدمیان نه به وسیله مکانیزم های «رونی هدایت می شوند و نه به وسیله رویدادهای بیرونی، بلکه کنشوری های شناختی بر حسب تعادل بین شخص و عوامل تعیین کننده محیط قابل تبیین هستند. شخص، محیط و رفتار بر هم تأثیر و تأثر متقابل دارند و هیچ یک از آنها به تنهایی تعیین کننده رفتار آدمی به حساب نمی آیند (سیف، ۱۳۸۷). از آنجا که خودکارآمدی اطمینان به توانایی خود در کنترل افکار، احساسات و فعالیت های خود است، بنابراین

^۱ - Perez

خودکارآمدی روی پیامد اعمال و افکار وی تأثیرگذار است (جعفری پویان و همکاران، ۱۳۹۶). در این الگو محیط به خودی خود بر رفتار اثر نمی گذارد و تأثیر آن بر افراد یکسان نیست بلکه نحوه عمل یک فرد تعیین می کند کدام جنبه از محیط بر او تأثیر خواهد گذاشت. در نظریه شناختی - اجتماعی هم متغیرهای پیش آیندی محیطی و هم متغیرهای میانجی شناختی و هم پسایندی محیطی در ایجاد و نگهداری رفتار، موثرند. مفهوم علیت تقابلی بندورا حاکی از این است که رفتار، محیط و شخص (باورهایشان) با هم در تعامل هستند. عوامل شخصی و محیطی به صورت تعیین کننده ها مستقل از رفتارشان در نظر گرفت. عمدتاً مردم از طریق اعمالشان شرایط محیطی را به وجود می آورند که آن هم متقابلاً بر رفتارشان تأثیر می گذارد. همچنین تجاربی که به وسیله رفتار تولید می شوند تا حدودی افکار، انتظارات و توانایی های افراد را تعیین می کنند که اینها به نوبه خود بر رفتار بعدی آنها تأثیر می گذارد (سیف، ۱۳۸۷). در میان مکانیزم های کارگذار هیچ کدام پرنفوذ تر از باورهای افراد از تواناییشان در کنترل عملکرد هنگام مواجه با رویدادهای مهم زندگی نیست. باورهای خود کارآمدی به این که چگونه افراد احساس - فکری کنند، چگونه خود را بر می انگیزند و چگونه رفتار می کنند، اثر می گذارد (مسعود نیا، ۱۳۸۶). به عقیده بندورا، انتظارات ویژه کارآمدی نسبت به سایر انتظارات نقش حیاتی تری در انگیزش و عمل انسان بازی می کند. در چهار چوب نظریه

خودکارآمدی بندورا عنوان می شود که افراد با باورهای قوی در مورد توانایی های خود در مقایسه با افرادی که در مورد آنها تردید دارند، در انجام تکلیف کوشش و پافشاری بیشتری نشان می دهند در نهایت عملکرد آنها در تکلیف بهتر است (بیابانگرد، ۱۳۸۶).

۱-۲-۲. تاریخچه خودکارآمدی

درباره تاریخچه خودکارآمدی می توان گفت یکی از جنبه های نظریه شناخت اجتماعی آلفرد بندورا است، نظریه شناختی- اجتماعی از دیدگاه کارکنارانه سرچشمه گرفته است که در آن رفتار فرد به صورت هدفمند و پیش بینی پذیر تلقی می شود، و این دیدگاه در ابتدا به نظریه یادگیری اجتماعی معروف بود و این نظریه بر خواستگاه اجتماعی رفتار و اهمیت فرایندهای شناختی در تمام ابعاد زندگی انسان، انگیزش، هیجان و عمل تاکید می کند و این نظریه از قویت فاصله گرفته بر اهمیت فرایندهای شناختی تاکید می کند، در این دیدگاه افراد نه به وسیله نیروهای درونی برانگیخته می شوند نه به وسیله نیروهای بیرونی به طور خودکار کنترل می شوند و عملکرد انسان در چهارچوب یک مدل تقابلی سه جانبه تبیین می شود که در آن رفتار شخص و محیط یکی از این برای رسیدن به انواع عملکرد تعیین شده است (پروین و جان، ۱۳۸۶). براساس این دیدگاه افراد دارای باورهای

خودکارآمدی هستند که به عنوان یک الگوی کاری به وسیله آنها می توانند، روی احساس ها و اعمال خودمهارداشته باشند و چگونگی رفتار افراد به وسیله این باورها قابل پیش بینی است. باورهای خودکارآمدی، بنیان کارگزاری آدمی را تشکیل می دهند و یک منبع کلیدی در تحول، سازش یافتگی هندسه و جبر پیشرفته (لوپز، لنت، براون و گاری^۱، ۱۹۹۷) جزو آن دسته از مقیاس هایی هستند که دانش وابسته به محتوای یک درس خاص را اندازه گیری می کند. گروه دیگر مقیاس ها، براساس رابطه با یک درس با قلمرو محتوایی خاص تعریف می شوند. در پاسخ به این مقیاس ها از مشارکت کنندگان تقاضا می شود که اطمینان به توانایی خود را در دستیابی به یک نمره ی خاص در یک کلاس درسی مشخص کنند. برای مثال مان، بیکر و جفریس^۲ (۱۹۹۵) و لنت، براون و لارکین^۳ (۱۹۸۷)، به منظور مطالعه ی نقش باورهای خودکارآمدی در قلمروهای موضوعی علوم و مهندسی، دو مقیاس خودکارآمدی تحصیلی متفاوت را گسترش دادند. در این رابطه، لنت و همکاران (۱۹۸۷) با استفاده از یک مقیاس خودکارآمدی مطالبات تحصیلی، اطمینان یادگیرندگان به توانایی خود را در انجام موفقیت آمیز مطالبات تحصیلی و وظایف شغلی بررسی کردند. در سطح دیگری از تخصیص، محققان به منظور مطالعه باورهای

^۱ - Lopez, Lent, Brwoen & Gari

^۲ - Moon, Beker & Gefris

^۳ - Lent, Brown & Larkin

خودکارآمدی تحصیلی، ابزارهایی را گسترش دادند که باورهای خودکارآمدی تحصیلی یادگیرندگان را بر اساس رفتارهای تحصیلی عمومی تر اندازه گیری می کنند. برای مثال، پتتریچ و دی کرات (۱۹۹۰) در گسترش پرسشنامه ی یادگیری و راهبردهای انگیزشی، بخشی را به باورهای خودکارآمدی تحصیلی اختصاص دادند. در این مقیاس یادگیرندگان به توانایی خود در انجام موفقیت آمیز تکالیف درسی و دستیابی به نمرات بالا، اندازه گیری می شوند (زینلی پور، زارعی و زندی نیا، ۱۳۸۸).

۱-۲-۳. اهمیت باورهای خودکارآمدی

باورهای خودکارآمدی موتور محرکه انسان هستند و از جهات مختلفی در زندگی اجتماعی، شخصی و شغلی انسان دارای اهمیت هستند، مهمترین جنبه های اهمیت این باورها عبارتند از:

تبیین و پیش بینی عملکردها: امروزه باورهای خودکارآمدی به عنوان یکی از مهمترین و اصلی ترین عوامل در تبیین رفتارهای انسانی محسوب می شود (فولادچنگ، ۱۳۸۲). استدلال کلیدی بندورا (۱۹۹۷) درباره نقش باورهای خودکارآمدی در عملکرد انسان این است که سطح انگیزه، شرایط مطلوب و اعمال افراد بیشتر بر پایه آنچه که آنها اعتقاد دارند، قرار دارد، تا آنچه که واقعاً درست است. به همین خاطر

چگونگی رفتار انسان می تواند به وسیله باورهای که در مورد توانایی هایشان دارند ، بهتر پیش بینی شود، تا به وسیله آنچه که واقعاً قادر به انجام دادن آن هستند . بنابراین باورهای خودکارآمدی به ما کمک می کند که تعیین کنیم ، افراد با دانش و مهارت هایی که دارند چه کاری را انجام دهند (پاجاریس و شانک^۱، ۲۰۰۲). دانش آموزانی با خود کارآمدی بالا با بیاناتی مانند " من می دانم که خواهم توانست موضوعات این درس را یاد بگیرم " و " انتظار دارم که بتوانم در این فعالیت به خوبی عمل کنم " مشخص می شوند (بیابانگرد، ۱۳۸۶). در بیشتر تحقیقات مشاهده شده است که باورهای خودکارآمدی افراد بیش از سایر متغیرهای انگیزشی نظیر خود پنداره یا عزت نفس و حتی در مواردی بیش از متغیرهایی مثل توانایی یا استعداد می تواند پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی ، انتخاب رشته و شغل ، تکمیل موفقیت یک حرفه و مشارکت در فعالیت ها باشد (پاجاریس و شانک، ۲۰۰۱). باورهای خودکارآمدی روی الگوهای تفکر اشخاص و واکنش های عاطفی تأثیر می گذارد. در نتیجه این تأثیرات باورهای خودکارآمدی تعیین کننده ها و پیش بینی کننده های قوی در سطح عملکرد هستند. بر پایه این دلایل بندورا بحث کرده است که باورهای خودکارآمدی در زندگی افراد نقش کلیدی دارند (پاجاریس و شانک، ۲۰۰۱). باور و حقیقت به سختی با هم جفت و جور می شوند و افراد معمولاً به

^۱ - Pajares & Schunk

وسيلة باورهای خودکارآمدی بهتر قابل پیش بینی هستند تا به وسیله ی هنرها و دانش و مهارت های قبلی شان . باورهای خودکارآمدی در تعیین اینکه افراد چه مقدار بر روی یک فعالیت تلاش می کنند و چه میزان وقت صرف می کنند ، چه مدت در برابر مواضع مقاومت می کنند و در هنگام روبرو شدن با موقعیت های نامساعد چگونه از خود انعطاف پذیری نشان می دهند به ما کمک می کند (پاجاریس و شانک، ۲۰۰۱).

تاثیر بر روی عواطف و هیجانات (هوش هیجانی) : باورهای خودکارآمدی، الگوهای فکری و عکس العمل های عاطفی و حسی یک فرد را تحت تاثیر قرار می دهد . خودکارآمدی بالا در ایجاد احساسات آرامش هنگام مقابله با کارها و فعالیت های مشکل به ما کمک می کند . برعکس ، افرادی که دارای خودکارآمدی پایین هستند ، ممکن است امور را از آنچه که هست ، مشکل تر کند و موجب تو درک کند و فشار، افسردگی و بینشی کوتاه بینانه تر را در مورد اینکه بهترین راه حل یک مشکل چیست ، توسعه و ترویج کند. در نتیجه باورهای خودکارآمدی می تواند به طور موثری سطوح دانش و آگاهی یک نفر را که نهایتا کسب کرده است تحت تاثیر قرار دهد (پاجاریس و شانک، ۲۰۰۱). کارداماس^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی دریافت که مؤلفه خوش بینی در هوش هیجانی رابطه خودکارآمدی ادراک شده با جنبه های مختلف

^۱ - Karademas

بهریستی از جمله رضایت از زندگی را تعدیل می کند و باعث گسترش استفاده از راهبردهای مقابله ای مسأله مدار و تنظیم هیجان می شود. بسیاری از حالت های عاطفی ما متأثر از باورهای خودکارآمدی ماست. خودکارآمدی عمومی با خوش بینی ، حرمت خود ، مهار درونی ، انگیزه و پیشرفت همبستگی دارد . افرادی که خودکارآمدی بالایی دارند بهتر با تغییرات زندگی سازگار پیدا می کنند (اعرابیان، ۱۳۸۳).

این باور که فرد بر وقایع زندگی خود تسلط دارد و می تواند با چالش هایی که پیش می آیند روبرو شود ، ایجاد هر نوع صلاحیتی در خود ، حس خود باوری فرد را تقویت می کند و او را نسبت به تقلیل خطرات و به جستجوی درگیری های دشوارتر بر آوردن ، مشتاق تر می سازد و غلبه بر آن چالش ها نیز در مقابل حس خود باوری را افزایش می دهد . ریسک پذیری با خود باوری ارتباط دارد ، هر چه اعتماد بیشتری به توانایی های خود داشته باشیم با اعتماد بیشتری خواهید توانست به نتایج تصمیمات خود اثر گذاشته و تمایل بیشتری به قبول چیزی خواهید داشت که دیگران آن را ریسک پذیری می نامند (امیری، ۱۳۸۵). در مجموع بندورا دریافته است که هر چه سطح انگیزتگی فیزیولوژیکی و هیجانی شخص بالاتر باشد ، سطح کارایی شخصی او پایین تر است. به سخن دیگر، در یک موقعیت معین ، هر چه بیشتر دچار ترس، اضطراب یا تنش شویم، کمتر احساس می کنیم می توانیم به اندازه کافی با آن کنار بیاییم (سید محمدی ، ۱۳۸۵).